



نگاهی به فصل دوم سریال «مستوران» قاب‌بندی‌های هنری با ریتم کند



این روزها تولید سریال‌های تاریخی با قصه‌های کهن تن اصلی مجموعه‌های رسانه ملی شده؛ علاوه بر سریال‌های طرز؛ بخش زیادی از سریال‌های در حال تولید به داستان‌های تاریخی برمی‌گردد. فصل اول «مستوران» به کارگردانی مسعود ابره‌پور و سیدجمال سیدحاتمی در ۲۶ قسمت تابستان سال گذشته در حالی روی آنتن شبکیه اول رفت که نتوانست آن‌قدرها در جذب بیننده‌اش موفق باشد. تولید سریال‌های فصلی همیشه ریسک‌هایی به همراه دارد و معمولاً فصل دوم یا سوم سریال با اقبال مواجه نمی‌شود. نمونه‌های زیادی از سریال‌های فصلی در رسانه ملی معمولاً با شکست مواجه شده‌اند. اما با قیاس فصل اول و دوم «مستوران» به نظر می‌رسد فصل دوم توانسته نسبت به فصل اول پخته‌تر باشد. این سریال از جمله مجموعه‌هایی است که خارج از رسانه ملی تولید شده و سازمان اوج سرمایه‌گذار آن است. سازمانی که این روزها در تولید فیلم و سریال دست پری را دارد و توانسته نسبت به دیگر ارگان‌ها و سازمان‌های دیگر در ارتباط با فیلمسازان موفق عمل کند. با گذشت بیش از یک سال، فصل دوم این سریال روی آنتن است. فیلمنامه «مستوران ۲» را محمد حنیف نوشته است که پیش‌تر کتابی به همین نام از او منتشر شده است. سیدعلی اناری، کارگردان و فعالان با تجربه تئاتری که کارگردانی فصل دوم را برعهده دارد. داستان فصل دوم این سریال ۲۰ سال پس از اتفاقات فصل اول روایت می‌شود و ماجراهای مختلف لطفعلی و دیگران را به تصویر می‌کشد و قصه در شهر خیالی به نام «مستوران» پیش می‌رود.

فصل دوم بخش خود را از شب پلدا شروع کرد. سریالی که به داستان‌های کهن عاشقانه اشاره دارد. این سریال به نسبت فصل اول توانسته در کارگردانی جلوتر باشد اما این سریال ریتم تقریباً کندی را دارد. موضوعی که تنها در «مستوران» دیده نمی‌شود و دامن دیگر سریال‌های تاریخی تلویزیون را گرفته است. اما به نظر می‌رسد سازندگان سریال با خرده داستان‌هایی که در دل داستان اصلی گذاشته‌اند کمی از کندی آن بکاهد. گاهی در برخی از قسمت‌های پخش شده، همین خرده داستان‌ها توانسته جذابیتی را برای بینندگانش ایجاد کند. از دیگر نکات قابل تامل فصل دوم

عزیمت برای تولید و نمایش فیلم‌های کم‌دی با سر و شکل درست و خانوادگی و محترمانه ناست. قهرمانان ملی، یکی دیگر از محورهای مهم آثار چهل و دومین جشنواره فیلم فجر است. امسال در جشنواره فیلم فجر، آثاری درباره شهیدان شریودی (آسمان غرب)، زین‌الدین (مجنون)، احمد کاظمی (احمد) و طیب حاج رضایی (صبح اعدام) حضور دارد. همچنین فیلم «پرویز خان» به اسطوره ورزشی کشورمان مرحوم پرویز دهداری پرداخته است. ژانر تاریخی نیز در این دوره جشنواره فجر نمایندگانی دارد. «صبح اعدام»، «هشت تبهکاران» «شور عاشقی» و... نمونه‌هایی در این ژانر هستند. همچنین درام‌های اجتماعی با رویکردی متفاوت در این دوره، علاوه بر این فیلم‌فجر حضور دارند. در ادوار قبلی جشنواره فیلم فجر، آثاری تحت عنوان فیلم اجتماعی به نمایش در می‌آمد که به موضوعاتی چون خیانت، طلاق، تقابل

تصویر روز - چهل و دومین جشنواره فیلم فجر در حالی آغاز شده است که این رویداد، از چند جهت قابل توجه است. جشنواره‌ای که می‌توان آن را یک رویداد انتقالی دانست؛ هم از نظر نسل و هم سوزه و نوع نگاه. ادامه نوسازی همان طور که ویرتین و اسامی آثار و فیلمسازان این رویداد نشان می‌دهد، فجر چهل و دوم نیز مانند دوره قبلی این جشنواره، برمدار جوانگرایی و نوسازی حرکت می‌کند. در همین جهت نیز بعد از چند دوره، بخش نگاه نو که شامل رقابت فیلم اولی‌هاست، مجدداً راه‌اندازی شده است. نسل تازه‌ای از فیلمسازان پا به عرصه تولید و کارگردانی گذاشته‌اند و جشنواره فیلم فجر هم -چون تابع وضع کلی سینمای ایران است و همواره به عنوان ویرتین تولیدات سالانه سینمای کشور شناخته می‌شود، نمودار و نمود دهنده این آثار است.



نسل‌ها، مهاجرت، روابط ناسالم و توهین به طبقات محروم می‌پردازد. اما درام‌های اجتماعی حاضر در جشنواره فجر چهل و دوم با عبور از سیاه‌نمایی و دیدگاه‌های کلیشه‌ای رایج در این حوزه، متفاوت جلوه می‌کنند. توجه به سنت‌ها و میراث فرهنگی نیز یکی از حلقه‌های مفقوده سینمای کشورمان است. در چهل و دومین جشنواره فیلم فجر، یکی از موضوع‌های نو و نوآور و آداب و رسوم آن حضور دارد. علاوه بر این در جشنواره امسال، شاهد حضور پررنگ فیلم‌های پویانمایی هستیم. ضمن اینکه آثاری در حوزه کودکان و نوجوانان هم حضور دارند.

نسل‌ها، مهاجرت، روابط ناسالم و توهین به طبقات محروم می‌پردازد. اما درام‌های اجتماعی حاضر در جشنواره فجر چهل و دوم با عبور از سیاه‌نمایی و دیدگاه‌های کلیشه‌ای رایج در این حوزه، متفاوت جلوه می‌کنند. توجه به سنت‌ها و میراث فرهنگی نیز یکی از حلقه‌های مفقوده سینمای کشورمان است. در چهل و دومین جشنواره فیلم فجر، یکی از موضوع‌های نو و نوآور و آداب و رسوم آن حضور دارد. علاوه بر این در جشنواره امسال، شاهد حضور پررنگ فیلم‌های پویانمایی هستیم. ضمن اینکه آثاری در حوزه کودکان و نوجوانان هم حضور دارند.

جنبش‌های فمینیستی و سیاه‌پوستی، همانند سالیان گذشته، دو مورد از پربهاوترین جنبش‌های سال‌های اخیر بوده‌اند. همچنان که از تأثیراتشان بر سینما و فیلم‌ها نیز مشهود است. متأسفانه کمپانی‌های فیلم‌سازی و کارگردان‌ها به جای این که داستان خود را از روایت کلاسیک که می‌تواند تأثیر مثبتی بر بشریت با استفاده از هنر داشته باشد، یا سیاست‌زده می‌شوند و یا سرمایه‌زده، و همین موضوع باعث می‌شود که فیلم‌ها در حال ساخت از حقیقت دور شوند. فیلم The Marvels محصول سال ۲۰۲۳ یکی از همین فیلم‌هاست و به نظر من گل سرسید فیلم‌های سیاست‌زده و دستوری است. این فیلم شامل سه شخصیت ابرقهرمان خاتم است. شخصیت اصلی شخصیتی است که در کودکی توسط یک فرشته به نام کاپیتان مارول که فیلم‌ها را به تصویر می‌کشد، به دنیا می‌آورد. این شخصیت در یک فیلمی، به تمام تمام رویکرد فمینیستی داشت. بر خلاف شخصیت ناتاشا که صرفاً یک زن در میان ابرقهرمان‌ها بود و کار خودش را با صورت عادی و طبیعی در کنار دیگر ابرقهرمان‌ها انجام می‌داد، (البته ناتاشا نیز بعد از فیلم سینمایی فمینیستی شد) شخصیت کاپیتان مارول یک شخصیت کاملاً فاشیستی و در خدمت فمینیسم است. همان‌طور که می‌دانیم، بازیگرش نیز فمینیسم است. اتفاقاتی در سریال‌های منتشر شده مارول قدرت ماراوی پیدا کرد که به جمع شخصیت‌زن ابرقهرمان مارول پیوسته‌اند و شخصیت سوم نیز همان Ms. Marvel معروف است. شخصیت سوم (خانم مارول)

معاون فرهنگی، اجتماعی سپاه پاسداران در گفت‌وگو با کیهان:

راديو انقلاب يك رسانه جوان‌پسند است

معاون فرهنگی، اجتماعی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گفت: راديو انقلاب يك رسانه تخصصی و مخاطب محور و الگویی برای همه رسانه‌های کشور است. سرنگ پاسدار مجید بذرافکن در گفت‌وگو با خبرنگار کیهان، ضمن با اهمیت دانستن راه‌اندازی راديو مناسبتی انقلاب در آستانه چهل و پنجمین سالگرد پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی در رسانه ملی گفت: در حوزه رسانه برای بازتاب اتفاقات دوران انقلاب لازم بود که رسانه‌های مثل راديو انقلاب شکل بگیرد تا به‌طور ویژه و تخصصی به مسائل دوران انقلاب بپردازد که خوشبختانه امروز این مهم در رسانه ملی شکل گرفته است و راديو انقلاب با توجه به اهداف و مأموریت‌هایی که دارد به نظرم نقش راهبردی در تبیین اهداف انقلاب اسلامی و ارزش‌های نظام دارد.



سرنگ پاسدار بذرافکن با بیان اینکه محل شنیده شدن صدای جوان‌ها باشد و اینکه نگاه جوان‌ها به انقلاب چگونه هست و تعامل بیشتر بین راديو و نسل جوان، می‌تواند راديو، به‌ویژه راديو انقلاب را به يك رسانه جوان‌پسند و فراگیرتر تبدیل کند.

کونونی کشور که انقلاب را لمس نکرده‌اند می‌توانند در روایتگری اتفاقات دوران انقلاب جذاب باشد و گرایش جوان‌ها به راديو بیشتر می‌شود. معاون فرهنگی، اجتماعی سپاه پاسداران همچنین در رابطه با تأثیرگذاری راديو در جامعه بخصوص نسل جوان گفت: اگر راديو بتواند خود را به فضاهای کوچک‌تری تبدیل کند، سرعت انتقال

فازهای چهارگانه داستانی که دارد. یک فاز محتوایی تبلیغی که در خدمت سیاستمداران است. مارول در فازهای قبلی خود، بیشتر یک جنبه سرگرم‌کننده و سرمايه‌داری داشت و حالا جنبه خدمت به سیاستمداران نیز به آن اضافه شده. از شخصیت‌های این فیلم که بگذریم، روند داستانی فازهای گذشته نیز، نشانه‌های خاصی به دست ما می‌دهند. در بزرگ‌ترین پروژه‌های که مارول تاکنون روی پرده سینماها برده است، چند شخصیت مهم این دنیای داستانی را از دست می‌دهد و چند شخصیت مهم نیز از طریق سریال‌ها اضافه می‌شوند. بیابید بررسی کنیم؛ شخصیت مرد آهنی در آخر داستان فداکاری می‌کند و جان خود را از دست می‌دهد. اگر دقت کنیم، همسر مرد آهنی نیز لباس و قدرت مخصوص به او را داشت؛ بنابراین این شخصیت مرد آهنی یک جایگزین زن خواهد داشت. کاپیتان آمریکا به یک زن تبدیل شده و خودش را بازنشته می‌کند. جانشین او یکی از شخصیت‌های سیاه‌پوست این قسه می‌شود. شخصیت پلنگ سیاه که به دلیل بیماری و فوت نااهنگام بازیگرش، جای او را با خواهرش عوض می‌کنند و بدین صورت شخصیت پلنگ سیاه نیز تبدیل به یک زن شد. قسمت دوم فیلم پلنگ سیاه نیز، یکی از فمینیستی‌ترین فیلم‌های مارول بود. شخصیت‌های زن و سیاه‌پوست مختلف دیگری در طی داستان‌های ضعیف و من‌درآوردی در این میان وارد بازی شدند. شخصیت‌های هالک، دختر شخصیت هاکت‌آی و خانم مارول که به بالا به آن اشاره کردیم. به وضوح مشخص است که این دنیای سینمایی به خدمت شخص‌ها و سیاستمداران آمده است. اما حقیقت چیست؟ آیا ساختن چند شخصیت

حکایت سینما تو گراف ۲ هفتمین جشنواره فیلم فجر و تشریح آثار ضد دفاع

هفتمین جشنواره فیلم فجر، نخستین دوره این جشنواره پس از پایان جنگ تحمیلی بود. فیلم‌های بخش مسابقه بسیار متنوع‌تر شده و علی‌رغم از دید تولیدات جنگی و فیلم‌های دفاع مقدس که بعضاً همچون «دیده‌بان» ساخته ابراهیم حاتمی‌کیا، نقاط عطفی در این سینما به‌شمار آمدند، اما نخستین آثار ضد دفاع در همین جشنواره به نمایش گذارده شدند که بعضاً جایزی هم دریافت کردند. جایزی که از این دوره عنوان «سیمرغ بلورین» را به خود گرفته بودند، فیلم «عروسی خوبان» ساخته محسن مخملباف، سرگذشت یک موجی بازگشته از جنگ را روایت می‌کرد که در شهر همه اهداف و آرمان‌های انقلاب را پایمال شده و از بین رفته می‌دید و در نهایت سر به کوه و بیابان می‌گنارد. در واقع تنها نتیجه دفاع مقدس در این فیلم، یک زمبده موجی و حاکمیت گروهی از سرمایه‌داران و زالوفستان بر مملکت نشان داده می‌شد. فیلمی که علاوه بر نامزدی ۳ سیمرغ بلورین، جایزه بهترین بازیگر نقش زن را دریافت کرد.

سید مستغاثی بخش هجدهم

بهترین جایزی این دوره از جشنواره به دو فیلم محسن مخملباف یعنی «عروسی خوبان» و «ایسیکران» رسید که آن فیلم نیز روایتی از بدبختی‌ها و سیاه‌رویی‌های یک افغان در ایران بود که همه در حال سوءاستفاده از شرایط سخت مالی و اقتصادی او بودند. به این ترتیب جایزی بهترین کارگردانی و فیلمنامه و بازیگری زن و موسیقی متن و صحنه‌آرایی به فیلم‌های محسن مخملباف رسید و فیلم «در مسیر تندباد» از مسعود جعفری جوزانی سیمرغ بلورین بهترین فیلم را گرفت که یک داستان مربوط به جنگ جهانی دوم در میان ایل قشقایی را به تصویر کشیده بود.

از نکات قابل تأمل جشنواره هفتم فیلم فجر، نمایش فیلم‌های شبه‌عراقی (تقلیدی از آثار امثال آندری تارکوفسکی که در مطلب جشنواره ششم فیلم فجر، درباره‌اش گفته شد) مانند «نار و نی» بود که به بخش مسابقه جشنواره نیز راه یافت و نامزد دریافت ۳ سیمرغ بلورین هم گردید که ۳ سیمرغ بلورین در رشته‌های صدارداری و تدوین و جایزه ویژه هیئت داوران دریافت کرد و بدین صورت تولید این دسته از فیلم‌های مبلغ عرفان‌های جعلی در سینمای ایران باب شد.

همچون «فخش عشق» از شهریار پارسی‌پور هم در همین راستا تولید شدند. محمد متوسلانی هم برای تدوام کار در سینمای پس از جنگ، «جست‌وجوگر» را در همین نوع، کارگردانی نمود و حتی ساموئل خاچیکیان را بر برای ادامه کارش وادار به ساخت فیلمی از این نوع به نام «چاووش» نمودند که شاید بتوان گفت بدترین دوران سینمایی خاچیکیان را رقم زد.

باز هم آثار سینمای دفاع مقدس کنار ماندند

به جز سیمرغ بلورین جلوه‌های ویژه (که به دلیل صحنه‌های انفجاری و شلیک و اسلحه نمی‌توانست به فیلم‌های غیرجنگی تعلق بگیرد) در میان دریافت‌کنندگان جایزی دیگر، هیچ‌کدام از ۵ فیلم از آثار سینمای دفاع مقدس حاضر در جشنواره همچون عبور (کمال تبریزی)، انسان و اسلحه (مجتبی راعی)، ستاره و الماس (سیامک شایقی)، اقق (رسول ملاقلی‌پور) و دیده‌بان (ابراهیم حاتمی‌کیا) سهمی نداشتند، تنها برای حفظ ظاهر و به اصطلاح نبودن عریضه، در پایان اعلام جایزی، یک جایزه ویژه هیئت داوران به ابراهیم حاتمی‌کیا اعطا گردید. هیئت داوران متشکل بود از: محمدرضا پدیده‌یان (از مدیران تلویزیون)، سیف‌الله داد(سازنده نگار)، «کاتی مانگا» در دوره قبل، فرهاد فخرالدینی (آهنگساز)، ابراهیم فروزش (فیلمساز جوان پرورش فکری کودکان و نوجوانان) و محمدباقر کریمیان (داور چند دوره از دوره‌های پیشین جشنواره فیلم فجر).

در این دوره از جشنواره فیلم فجر، نخستین فیلم‌های برای کودکان مانند «گلنار» به نمایش درآمد که بعداً در اکران عمومی، مورد استقبال کودکان و خانواده‌ها قرار گرفتند. فیلم «گلنار» پس از «شهر موش‌ها» در سال ۱۳۶۴، بازگشتی به سینمای برای کودکان و گریز از زندگی‌های به اصطلاح درباره کودکان مانند «خانه دوست کجاست؟» یا «مشق شب» و مانند آن محسوب می‌گردید که به هیچ‌وجه مورد توجه پدجا و خانواده‌هایشان قرار نگرفته بودند.

این نوع سینما و فیلم برای کودکان در سال‌های بعد نیز با قصه‌های فانتزی و البته محتوای اخلاقی در فیلم‌هایی همچون «دزد عروسک‌ها»، «پاتال» و «آرزوهای کوچک»، «الو الو من جوجو ام» و... تکرار شد و تا مدتی به دلیل تازگی ساختار و فرم و محتوا، مخاطبان بسیاری را در سنین کودکان جذب سال‌های سینما کرد اما پس از مدتی به دلیل تکرار مکررات و سوزهای دستمالی شده، مخاطبان خود را از دست داد و با رکود مواجه گردید. در قسمت‌های آینده این سلسله مقالات و در بخش جشنواره کودکان به این موضوع مفصل‌تر پرداخته شده است.

باز هم فیلم‌های خارجی بیشتر

در این دوره، بخش خارجی جشنواره بسیار گسترده شد و به غیر از مرور بر آثار ۳ فیلم یعنی روبن برسون و سرگنی پاراجانف و آندری واید، در بخشی به نام «جست‌وجوگر»، فیلم‌هایی مانند زندگی بدون تازان (گاد فری ریجو)، لئو تولستوی (سرگنی گراسیوف)، سقوط خندان رونماوف (استر شاب)، مردی با دوربین فیلمبرداری (ژیکا ورتوف) و... و در بخش دیگری به نام «دوران خنده» فیلم‌هایی مانند «زندگی سسگی» و «پسر بچه» از چارلی چاپلین، «پاسبان‌ها» و «نژال» از باستر کیتون، دنیای هارولد لوید و کم‌دی‌های دهه بیست لورل و هادی و... بر پرده رفت و در بخش نمایش‌های ویژه (که در دوره‌های پیشین نیز سابقه داشت) انبوهی از فیلم‌های جشنواره‌ای به نمایش درآمد مثل ذرت سرخ (ژانگ بیجو)، بوریس گودونوف (سرگنی باندراچوک)، موضوع گلاب پانیلوف)، بابا به ماموریت رفته است (امیر کاستاریتا)، نوستالژی (آندری تارکوفسکی)، اسب (علو زنگ ترک) و...

همان‌طور که در دوره‌های قبلی جشنواره هم روال معمول بود، فیلم‌های یادشده اغلب برای اکران عمومی خریداری شده بودند و تنها قبل از نمایش عمومی، در جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمده و در سال‌های بعد به تدریج بر پرده سینماها رفته و با اضافه تلویزیون نقش بستند.

حضور فیلمسازان قبل از انقلاب به‌گونه‌ای بی‌بروات در هفتمین دوره جشنواره فیلم فجر به چشم می‌خورد. چنانچه علاوه بر سیروس الوند با فیلم «شب حادثه»، مسعود کیمیایی با فیلم «سرب»، امیر نادری با فیلم «آب، باد، خاک»، جلال مقدم با فیلم «چمدان» و عباس کیارستمی با فیلم «مشق شب» حضور داشتند به علاوه اینکه دو فیلم توثیقی و صدباری «مدرسه‌ای که می‌رفتم» از داریوش مهرجویی پس از ۸ سال و «باشو، غریبه کوچک» ساخته بهرام بیضایی بعد از دو سال، در این جشنواره به نمایش درآمدند.